

چالش‌ها و تنش‌های تقنینی مجلس شورای اسلامی در بستر گفتمان‌های کنترل اجتماعی^۱

علی میرزامحمدی،* محمدجواد زاهدی،* امیرملکی*** و پروانه دانش****

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۳/۱۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۹/۱۲

در این مقاله چالش‌ها و تنش‌های تقنینی کنترل اجتماعی و ریشه‌های آن در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این چالش‌ها و تنش‌ها در بستر گفتمان کنترل اجتماعی مجلس قابل تبیین است. این گفتمان‌ها را بر اساس شیوه‌های کنترل جرائم در قالب قانونگذاری به سه گفتمان مجازات، ترمیم و رجعت ارزشی می‌توان متمایز کرد. این گفتمان‌ها شیوه‌های متفاوتی را برای مقابله با چالش‌ها و تنش‌های پیش‌رو در پیش می‌گیرند اما رشد جرائم نشان می‌دهد موفقیت چندانی در این کار کسب نشده است. درک کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های نظام کنترل اجتماعی، به کارگیری مواضع سنجیده و مقابله آگاهانه و فعال در برابر جرائم نیازمند شناخت عمیق ابعاد گوناگون و پیچیده کنترل اجتماعی است. براساس چنین رویکردی در این مقاله الگوی راهبردی کنترل اجتماعی پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: کنترل اجتماعی؛ گفتمان؛ مجلس شورای اسلامی؛ قانون؛ تغییرات اجتماعی؛ چالش‌های تقنینی

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری علی میرزامحمدی با عنوان «ساخت گفتمانی قوانین کنترل اجتماعی مجلس شورای اسلامی» است.

* دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)؛

Email: ali.mirzamohammadi@yahoo.com

Email: mj.zahedi.m@gmail.com

** دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور؛

Email: malekipnu@gmail.com

*** دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور؛

Email: daneshpar@yahoo.com

**** استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور؛

مقدمه و طرح مسئله

امروزه واژه‌های تنش و چالش در ادبیات اجتماعی کاربرد بسیاری یافته‌اند. در روان‌شناسی، تنش^۱ یا کشش حالتی از فشار در شخصیت است که ناشی از انگیزه‌های متعارض است. اما جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی مفهوم تنش را آن‌قدر بسط داده‌اند که بر فشارهای درون‌گروهی یا بین‌گروه‌ها نیز دلالت داشته باشد. چنین فشارهایی در اثر نگرش‌ها، انگیزه‌ها و ارزش‌های متعارض به وجود می‌آید (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۶۹۰). براساس معنای لغوی «چالش»^۲ و نیز برخی عناصر معنایی متبادر از کاربرد این واژه در ادبیات اجتماعی امروز، «چالش شرایط و وضعیت جدیدی است که مسیر آینده جامعه را مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد» (ذوعلم، ۱۳۸۴: ۳۶). تنش‌ها و چالش‌ها را می‌توان در حوزه‌ها و گروه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد که در این مقاله با قانونگذاری مورد بحث قرار گرفته است.

قانونگذاری از آن جهت فرایندی تنش‌زا محسوب می‌شود که به احتمال قوی گروه‌های مختلف درگیر در این فرایند، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و ارزش‌های متعارضی دارند. این فرایند از رابطه دیالکتیک کنشگران و ساختار تقنین تأثیر می‌پذیرد. کنشگران تقنین را نمایندگان مجلس، نمایندگان قوه مجریه یا قوه قضائیه و گروه‌های ذی‌نفع از جمله شورای نگهبان تشکیل می‌دهند و ساختار تقنین نیز به ساخت درونی مجلس، اختیارات و صلاحیت‌های مجلس، ساختار و توزیع قدرت و مناسبات بیرونی مربوط می‌شود. رابطه دیالکتیک بین کنشگران و ساختار تقنین و همچنین روابط درونی بین کنشگران تقنین و اجزای تشکیل‌دهنده ساختار تقنین، ایجاد تنش را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در حقیقت تنش، ذاتی قانونگذاری است و بدون آن تداوم نمی‌یابد؛ اما تنش کنترل نشده می‌تواند به مانعی بزرگ در این فرایند تبدیل شود. از منظری دیگر فرایند قانونگذاری، چالش‌برانگیز است زیرا شرایط و وضعیت جدیدی در این مسیر وجود دارد. این شرایط جدید با بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مسیر آینده تقنین را به چالش کشیده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد.

1. Tensions
2. Challenge

شکل‌گیری تنش‌ها و چالش‌های تقنینی را می‌توان در مراحل تقنین شامل تدارک، تصویب و تأیید شورای نگهبان جست‌وجو کرد. مرحله تدارک قانون عبارت است از پیدا کردن بهترین و عادلانه‌ترین قواعد و بیان آنها به زبان حقوقی طوری که هیچ ابهامی در اجرای آن باقی نماند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۷۲). نقش مجلس در مرحله تدارک بارز است. برخی نمایندگان در قالب طرح، خود به تدارک قانون مبادرت می‌ورزند. همچنین مجلس در مواردی از دولت و قوه قضائیه برای حل مشکلات اجتماعی درخواست تدارک قانون در قالب لایحه می‌کند. در مرحله تصویب، قوانین تدارک دیده شده، در مجلس مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. پایه پژوهش ما نیز براساس مذاکراتی شکل گرفته است که این قوانین را مورد ارزیابی قرار داده‌اند و در رد یا تأیید آن استدلال می‌کنند. قوانین رد شده، دیگر مرحله سوم را طی نمی‌کنند. مرحله نهایی تقنین، تأیید قوانین مصوب مجلس توسط شورای نگهبان است اما گاهی شورای نگهبان خواستار اصلاح قوانین مصوب است و همین مسئله موجب ایجاد چالش بین این دو می‌شود. طبق قانون اساسی در صورت اصرار مجلس بر مصوبه، به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع می‌شود.

به جرئت می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین بسترهای تنش تقنینی مجلس شورای اسلامی، مبحث کنترل اجتماعی و در معنای خاص و محدود آن کنترل جرائم است. این تنش‌ها بودن ریشه در آن دارد که:

الف) در ذات تعریف جرم بر شکستن و نقض قانون و کنترل جرم براساس مجازات مجرم اتکا می‌شود اما تعریف جرم و مشخص کردن مصادیق و نوع مجازات آن کار ساده‌ای نیست.

ب) کنترل اجتماعی به واسطه دو اهرم اجبار و اقناع نیازمند وادار کردن افراد به پذیرش هنجارهای اجتماعی است ولی این مهم نیازمند صرف هزینه در ابعاد مختلف است.

ج) تصویب قوانین کنترل اجتماعی تأثیر تعیین‌کننده‌ای در شکل و محتوای مناسبات، روابط و تعاملات اجتماعی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، حقوقی، جغرافیایی، اقتصادی و حتی بین‌المللی دارد و به‌ویژه دایره منافع گروه‌های مختلف را تغییر و تحدید می‌کند. در این فرایند گروه‌های مختلفی از جمله آسیب‌سازان، آسیب‌دیدگان یا قربانیان، کارگزاران نهادهای کنترل اجتماعی و سیاستگذاران اجتماعی ذی‌نفع در بیشتر مواقع منافع متضادی دارند.

چالش برانگیز بودن مبحث کنترل اجتماعی با تغییرات دائمی جامعه، تحول و دگرگونی قوانین را برای تناسب بیشتر ضروری می‌کند. ظهور انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان عاملی چالش برانگیز، با تغییر ارزش‌های جامعه و به تبع آن ایجاد تغییرات در تعریف جرم، مصادیق آن، مرز جرائم، نحوه برخورد با مجرمان و جرم، اصلاح نهادهای کنترل اجتماعی و عاملان اجرایی آنها «انقلابی در نظام کنترل اجتماعی» محسوب می‌شود. تغییراتی که از همان ابتدا جناح‌های مختلف سیاسی کشور جبهه‌گیری‌های متفاوتی را درباره آنها اتخاذ کرده و با ایجاد فضای گفتمانی منتقدانه، راه را به واسطه فراهم شدن شرایط اجتماعی و سیاسی جدید برای تغییرات قوانین کنترل اجتماعی و گفتمان‌های مربوطه در دهه‌های آینده هموار کردند. این گفتمان‌ها، شیوه‌های خاصی را بیان می‌کنند که افراد از جمله نمایندگان مجلس برای سخن گفتن درباره کنترل جرم در جامعه به کار می‌گیرند.

اهمیت بررسی تنش‌ها در گفتمان‌های کنترل اجتماعی ریشه در آن دارد که هویت گفتمان‌ها اساساً در تعارض و ضدیت^۱ با یکدیگر شکل می‌گیرد. این تنش‌ها بازتاب گروه‌بندی گفتمانی است که در آن غیرخودی‌ها طرد و تفاوت میان اعضای گروه نادیده گرفته می‌شود. در عین حال، همه شکل‌های دیگری که می‌توان گروه‌بندی را نیز براساس آنها انجام داد نادیده گرفته می‌شوند. به این معنا گروه‌بندی در گفتمان، عملی سیاسی است (یورگسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۸۵). در حالت کلی تنش‌های تقنینی مجلس شورای اسلامی را با توجه به نظام قانونگذاری مجلس شورای اسلامی می‌توان به دو دسته کلی درونی و بیرونی تقسیم کرد:

الف) تنش درونی: با توجه به اینکه طرح‌ها، قوانین پیشنهادی از طرف برخی نمایندگان مجلس است رد آنها شاخص مناسبی برای بررسی تنش درونی مجلس است.

ب) تنش بیرونی: تنش بیرونی نتیجه تضاد بین مجلس و شورای نگهبان یا مجلس و دولت است. در تنش بین مجلس و شورای نگهبان برخلاف تنش‌های دیگر با رد طرح یا لایحه در قالب مذاکرات رسمی پایان نمی‌پذیرد و تداوم می‌یابد. برای بررسی تنش گفتمانی بین شورای نگهبان و مجلس از طرح‌ها و لوایحی که به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده می‌شود می‌توان استفاده کرد.

اهمیت بررسی چالش‌های تقنینی در بستر گفتمان کنترل اجتماعی در این است که

اگر گفت‌وگو حاکم به مرور نتواند کارایی خود را در مقابله با چالش‌های احتمالی کنترل اجتماعی به اثبات برساند فضای انتقادی به رشد گفت‌وگو رقیب کمک می‌کند و گفت‌وگو جدیدی متولد می‌شود. در این چرخش گفت‌وگویی دو عامل اصلی نقش کلیدی دارند:

۱. در دوره‌های مجلس به علت تغییر در ترکیب نیروها و فضای سیاسی، گفت‌وگوهای پیشین به نقد کشیده می‌شوند و راه برای تغییر گفت‌وگوها هموار می‌شود.
۲. با تغییر شرایط اجتماعی، چالش‌های جدیدی فراروی عاملان سیاسی قرار می‌گیرد که تغییرات گفت‌وگویی را تسریع می‌کند.

در نتیجه قیاس دوره‌های مختلف مجلس براساس بینش کرونولوژی (زمان‌شناسی) بر این پیش فرض اولیه استوار است که قوانین در تحول دائمی هستند ولی آهنگ این تحول در دوره‌های مختلف یکی نیست (لوی برول، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

شناسایی تنش‌ها و چالش‌های تقنینی کنترل اجتماعی براساس رصد دغدغه‌های مجالس دوم، ششم و هفتم در بسته‌های فکری مشخص‌تری به نام گفت‌وگوهای کنترل اجتماعی از آن نظر در این پژوهش انتخاب شده است که این سه دوره نقاط عطف تاریخی - اجتماعی محسوب می‌شوند. کاری که به انتخاب مسیر آینده گفت‌وگوها و کنترل تنش‌ها و چالش‌های احتمالی آنها برای کاستن از هزینه‌های اجتماعی و اقتصاد قدرت راهگشا خواهد بود. بر این اساس سؤال‌های محوری ما در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. کدام چالش‌ها و تنش‌های تقنینی در بستر گفت‌وگوهای کنترل اجتماعی مجلس شورای اسلامی قابل مشاهده است؟
۲. برای کاهش چالش‌ها و تنش‌های موجود بهتر است گفت‌وگوهای کنترل اجتماعی به کدام سمت و سو سوق داده شوند؟

۱. چارچوب نظری

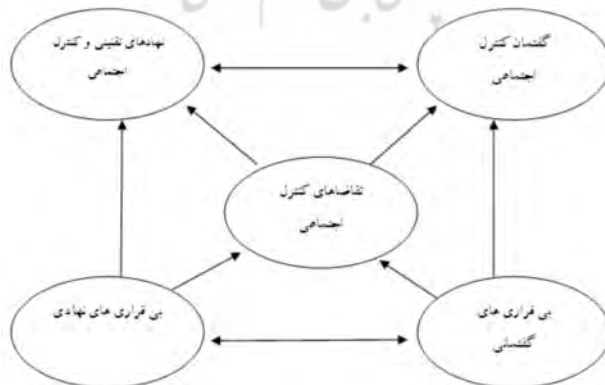
چارچوب نظری این پژوهش براساس رهیافت نهادگرایی گفت‌وگویی تدوین شده است.^۱ نهادها به معنای قواعد (Steinmo, 2008: 123) قراردادهای ابداع شده انسانی هستند که

۱. در تدوین چارچوب نظری تحقیق از مباحث روش‌شناختی حسینی‌زاده (۱۳۹۱) استفاده شده است.

کنش‌های متقابل انسانی را ساختارمند می‌کنند. آنها از قوانین رسمی و غیررسمی و خصوصیات اجرایی آنها تشکیل شده‌اند (North, 1994: 360). نهادها تجلی عینی گفتمان‌ها و ایده‌های سیاسی‌اند که در قوانین رسمی و غیررسمی نمود پیدا می‌کنند و سازمان‌ها و ساختارهای سیاسی و سیاست‌های جاری نیز شکل عینیت یافته نهادها تلقی می‌شوند. بر این اساس گفتمان‌های کنترل اجتماعی شکل دهنده قوانین کنترل اجتماعی‌اند و بر پایه همین قوانین نیز ساختار و سازمان کنترل اجتماعی شکل می‌گیرد.

استفاده از این رهیافت از آن جهت سودمند خواهد بود که تدوین‌کنندگان گفتمان توسط ترتیبات نهادی محدود می‌شوند. براساس رهیافت مذکور مجلس به‌عنوان نهادی تقنینی تولیدکننده منافع، هویت‌ها و الگوهای مناسب کنش است که خود در زمینه‌های گسترده‌تر اجتماعی - فرهنگی شکل گرفته و در آن منافع و منازعات خاص مورد مذاکره، مصالحه، میانجی‌گیری و گفت‌وگو قرار می‌گیرند. براساس این رهیافت‌های درگیر در قانونگذاری، مسیرهایی را ایجاد می‌کنند که در آنها راه‌حلی برای کنترل جرائم اجتماعی جست‌وجو می‌شوند. بر این اساس ثبات و تغییر گفتمان‌های کنترل اجتماعی به کارکردهای نهادی وابسته است و برعکس. بی‌قراری‌ها سرچشمه تغییرات گفتمانی و نهادی به‌شمار می‌آیند. این بی‌قراری‌های گفتمانی و نهادی نیز از تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه تأثیر می‌پذیرند.

شکل ۱. چارچوب مفهومی



براساس این رهیافت چالش‌های تقنینی زمینه اصلی بی‌قراری‌های گفت‌وگویی و نهادی را فراهم می‌کنند. این چالش‌ها نیز از تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه تأثیر می‌پذیرند. تنش‌های تقنینی نیز بازتاب عینی رقابت گفت‌وگوهای مختلف برای استیلا و هژمونی است. تنش‌های تقنینی مجلس در دو قالب درونی و بیرونی موجب جبهه‌گیری جناح‌های سیاسی داخل مجلس در مقابل همدیگر و مجلس با شورای نگهبان یا دولت می‌شود.

الف) پیشنهادهای کنترلی در نظریه‌های اجتماعی: ادوارد آ. راس به‌عنوان کسی که اولین بار واژه کنترل اجتماعی را به‌کار برد، جامعه‌شناختی وارد کرده است، منظور از این واژه را تمام فرایندهایی می‌داند که افراد را به‌هم‌نوایی با هنجارها و ارزش‌های جامعه وامی‌دارد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۴۹). اما این برداشت بسیار کلی و مبهم، کاربرد تجربی آن را ناممکن می‌سازد؛ به این جهت عموم جرم‌شناسان و برخی جامعه‌شناسان تعریف بسیار محدودتر آن را به‌عنوان «مجموعه واکنش‌های اجتماعی سازمان‌یافته در برابر کجروی به‌حساب آورده‌اند» (Doob, 1988: 137). ما نیز معنای محدود این اصطلاح را مدنظر داریم. نظریه‌های مختلف حوزه کنترل اجتماعی را می‌توان در دو گروه بزرگ یا پارادایم اثبات‌گرا و برساخت‌گرا تقسیم کرد. نظریات پارادایم اثبات‌گرا کج‌رفتاری را پدیده‌ای «واقعی» و دارای صفاتی می‌دانند که از رفتارهای بهنجار قابل تشخیص و تفکیک است. بر این اساس رویکرد کنترلی آنها براساس سه فرض اصلی مطلق‌گرایی، عین‌گرایی و جبرگرایی قرار دارد (جدول ۱).

جدول ۱. پیشنهادهای کنترلی پارادایم اثبات‌گرا

گروه نظریه	نظریه	پیشنهادهای کنترلی
کلاسیک	روایت‌های قدیمی کلاسیک (بکاریا و بنتام)، رویکرد سزای عادلانه، رویکرد اختیارگرایی جناح راست	مجازات برای بازدارندگی از جرم (وایت و فیوناهاپنس (هینز)، ۱۳۸۲: ۶۶-۴۵).
رویکرد گزینش عقلانی	رویکرد گزینش عقلانی	پیشگیری موقعیتی، بازدارندگی عام، بازدارندگی خاص، توان‌گیری و طرد (همان: ۳۱۱-۳۱۰).
رویکرد زیستی و روانی اثبات‌گرا	رویکرد زیستی و روانی اثبات‌گرا	برنامه مداخله پیشینی برای درمان مشکلات زیستی و روانی؛ برنامه پیشگیری دومین با روش‌های درمانی ویژه جوانان و بزرگسالان کجرو (همان: ۹۱-۶۷).

گروه نظریه	نظریه	پیشنادهای کنترلی
فشار اجتماعی	نظریه بی‌سازمانی اجتماعی مرتن	کاهش شکاف میان اهداف مقبول اجتماعی و وسایل مشروع و قابل دسترس در جامعه
	نظریه ناکامی منزلتی کوهن	کاهش شکاف بین اهداف و ابزار رسیدن به آنها همگام با کاربست شیوه‌های کاهش سرخوردگی و ناکامی منزلتی در بین اعضای طبقات پایین
	نظریه فرصت افتراقی کلوارد و اولین	تغییر ساختار اجتماعی محله‌های فقیرنشین؛ ایجاد عزت نفس و همبستگی در آن مناطق؛ سازمان‌دهی حمله تمام‌عیار به ساختارهای تولید جرم در مناطق مزبور
یادگیری اجتماعی	نظریه پیوند افتراقی سادرلند	اصلاح یزهکاران و ممانعت از بازگشت دوباره آنان به جرم
	نظریه هویت‌پذیری افتراقی گلایزر	کنترل باورها و به‌ویژه الگوبرداری جوانان
کنترل اجتماعی	نظریه تقویت افتراقی برگس و ایکرز	کنترل باورها و به‌ویژه الگوبرداری جوانان (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۵۱-۴۷).
	نظریه هرشی	راهکارهای افزایش پیوند فرد با جامعه (Thio, 2001: 28-29)
	نظریه مهار آیزنگ	مکانیسم کنترل درونی (رشد یافتن وجدان اخلاقی)؛ مکانیسم کنترل بیرونی (فنون شرطی‌سازی در خانواده‌ها)
	نظریه شرم‌نده‌سازی بریتویت	شرمنده‌سازی به‌عنوان ابزار عدم تأیید اجتماعی نسبت به رفتاری خاص برای تحریک ندامت در شخص خلافکار
نظریه اجتماعی شهری	دکترین بازدارندگی	اعمال کنترل اجتماعی رسمی به‌وسیله قضات و سایر عوامل اجرای قانون (Ibid.: 29)
	نظریه انتقال فرهنگی شاو و مک‌کی	طرح منطقه‌ای شیکاگو (سازمان‌دهی ساختارهای اجتماعی موجود در محله‌های بی‌سامان فقیرنشین) (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۳۲۵-۳۲۳ و ۴۷۵-۴۷۴).

نظریات پارادایم بر ساخت‌گرا مدعی‌اند که رفتارهای لزوماً واقعی نیست و چه بسیار کسانی که به ناحق متهم به کاری می‌شوند و به اشتباه یا از روی غرض برچسب می‌خورند. پارادایم بر ساخت‌گرا به موضوع کج‌رفتاری رویکردی ظریف‌تر و انسان‌گرایانه‌تر در مقایسه با پارادایم اثبات‌گرا دارد. پیشنهادهای کنترلی این پارادایم براساس

فرضیه‌های اصلی نسبت‌گرایی، ذهن‌گرایی و اختیار‌گرایی استوار شده است (جدول ۲).

جدول ۲. پیشنهادهای کنترلی پارادایم بر ساخت‌گرا

گروه نظریه	نظریه	پیشنادهای کنترلی
انگ‌زنی	انگ‌زنی	سیاست‌های منبعث از تغییر مسیر از نظام رسمی به نظام غیررسمی شامل برجسب‌زدایی، رفع بدنامی، جرم‌زدایی، حبس‌زدایی، عدم مداخله، الگوها و برنامه‌هایی مانند قضای احیاگر، شرم بازگرداننده و همایش‌های گروهی و خویشاوندان (Schur, 1965, 1973; Downes and Rock, 1998: 6-9; 349).
تضاد	نظریه واقعیت اجتماعی؛ نظریه مارکسیستی؛ نظریه فمینیستی؛ نظریه قدرت؛ نظریه پست مدرنیسم؛ نظریه قانون در عمل	پاسخ‌گویی کامل دستگاه قضایی در برابر عموم؛ رعایت صادقانه حقوق بشر؛ اصلاح قوانین با هدف محافظت از منافع طبقه کارگر، مردم‌سالار کردن نهادهای آن، گسترش مردم‌سالاری بنیادین در سطح جامعه؛ مالکیت جمعی ابزارهای تولید و اعمال کنترل‌های جمعی بر آن؛ توزیع دوباره امکانات و منابع اجتماعی براساس نیاز انسان‌ها (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۸۲-۴۸۱).
رویکرد واقع‌گرایی چپ‌گرا	واقع‌گرایی چپ‌گرا	کنترل عملگرایانه جرم در دو محور «حاشیه‌نشینی سیاسی» و «انجام اصلاحات در شیوه‌های حفظ نظم» (ویت و فیوناهاپنس (هینز)، ۱۳۸۲: ۲۵۱-۲۲۵؛ سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۸۵-۴۸۳).
پدیدارشناسی	نظریه خنثی‌سازی	سلب ابزارهای خنثی‌سازی از کجروان به‌ویژه از راه اقتناع (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۳۲-۴۳۰).

۲. روش‌شناسی

این پژوهش با استفاده از رهیافت جدید نهاد‌گرایی گفت‌وگویی براساس تلفیق در دو سطح خرد - کلان و ذهن - عین مبتنی بر سازگاری و پیوند ارگانیک آنها انجام یافته است.

الف) تلفیق سطح خرد - کلان: این کار با تلفیق روش تحلیل گفت‌وگو فرکلاف با روش لاکلا و موفه براساس پیشنهاد یورگنسن و فیلیپس به‌عنوان دو تن از شارحان معروف تحلیل گفت‌وگو انجام یافته است. بر این اساس تحلیل گفت‌وگو به‌عنوان بسته‌ای کامل؛ یعنی، مجموعه‌ای از بنیان‌های نظری و روش‌شناختی در نظر گرفته شده و از رویکردهای دیگر گفت‌وگویی یا غیرگفت‌وگویی، برای جبران کمبودهای نظری، هنگام تحلیل پدیده استفاده

می‌شود. چنین تلفیقی خود معرف نوعی مطالعه چنددیدگاهی است اما یکی از مشکلات اصلی آن چگونگی تلفیق رویکردهای مختلف با پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی یا معرفت‌شناختی مختلف و گاه متضاد است. یورگنسن و فیلیپس استدلال می‌کنند که باید رویکردهای مختلف را به یکدیگر ربط داد. این کار با ترجمه رویکرد خارج از حوزه تحلیل گفتمان به مفاهیم تحلیل گفتمان انجام می‌گیرد تا به این وسیله اطمینان حاصل شود که پیش‌فرض‌های فلسفی، نظریه‌ها و روش‌های رویکردهای گوناگون با یکدیگر سازگار شده‌اند. یورگنسن و فیلیپس در راستای رویکرد تحلیل تلفیقی سه مسئله اصلی شامل چشم‌انداز باوری، سازگاری و ترجمه را مطرح می‌کنند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۵۴-۲۵۰).

این پیشنهاد تلفیقی خود، براساس اولویت مفهوم «نظم گفتمانی» فرکلاف انجام می‌شود. نظم گفتمانی مفهومی دال بر وجود گفتمان‌های مختلف است که تا حدودی قلمرو واحدی را تحت پوشش دارد، قلمرویی که هر کدام از گفتمان‌ها برای پر کردن آن با معانی مورد نظرش با دیگران رقابت می‌کند (همان: ۲۳۰). حوزه‌هایی که در آنها همه گفتمان‌ها پیش‌فرض‌های عقل سلیم مشترکی دارند، آمادگی کمتری برای تغییر دارند و احتمال بیشتری دارند که ثابت بمانند، اما در حوزه‌هایی که گفتمان‌های مختلفی بر سر تثبیت معنا با یکدیگر رقابت دارند، بی‌ثبات‌اند و آمادگی بیشتری برای تغییر دارند (همان: ۲۳۱). براساس مفهوم نظم گفتمان می‌توان نحوه توزیع گفتمان‌ها را در قلمرو مورد بررسی، و نابرابری در توزیع دسترسی به گفتمان‌های مختلف درون آن نظم گفتمانی را بررسی کرد. با استفاده از این نابرابری‌ها در توزیع و دسترسی به گفتمان‌ها می‌توان توضیح داد چرا در موقعیت‌های خاص، افراد از بعضی گفتمان‌ها به جای برخی دیگر استفاده می‌کنند. در مرحله بعد رابطه میان نظم‌های گفتمان مختلف با استفاده از مفهوم میان‌گفتمانی فرکلاف بررسی می‌شود. در ارتباط بین نظم‌های گفتمانی مختلف، تغییر رخ می‌دهد (همان).

برای عملی شدن تلفیق در این پژوهش، با توجه به اینکه هدف، شناسایی الگوهای کنترل اجتماعی با تأکید بر کنترل جرائم در مذاکرات بر پایه قوانین پیشنهادی به مجلس است؛ نظم گفتمانی کنترل جرم، به‌عنوان تعیین‌کننده مرزهای تحقیق انتخاب شده است تا

به این ترتیب، مشخص شود که در بررسی متون، چه گفتمان‌هایی دارای اهمیت بوده و چه داده‌هایی را جست‌وجو کرد. با توجه به اینکه در روش تحلیل گفتمان مورد نظر این پژوهش، یعنی تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به مفهوم نظم گفتمانی اشاره نشده است؛ این مفهوم از نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف وام گرفته می‌شود؛ تا به این ترتیب، امکان بررسی پیش فرض‌های مشترک بین گفتمان‌های رقیب کنترل اجتماعی و برخوردها و کشمکش‌های آنها برای تسلط در دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی فراهم شود.

ب) تلفیق سطح ذهن - عین: در بخش تبیین چرخش گفتمان‌ها برای بالا بردن قدرت تبیینی لازم است علاوه بر ابعاد ذهنی به ابعاد عینی نیز توجه شود. تلفیق تحلیل گفتمان با رهیافت نهادگرایی می‌تواند ما را به این هدف نزدیک‌تر کند. این تلفیق تحت تأثیر نظریه‌های پسا ساختارگرا و پسامارکسیسم انجام یافته است و اشمیت یکی از نظریه پردازانی است که در این کار بسیار کوشیده است (2: Schmidt, 2006). دلایل اصلی این تلفیق این بوده است که نظریه گفتمانی انتزاعی و ذهنی و بی‌اعتنا به ساختارها، نهادها و روندها به نظر می‌رسد و به گونه‌ای در دنیای زبانی و استعارای خود غرق شده که انگار از واقعیت عینی اجتماع و سیاست به دور افتاده است. نهادگرایی توجه به واقعیت عینی سیاست را به این نظریه گوشزد می‌کند و قابلیت کاربردی آن را افزایش می‌دهد (حسینی‌زاده، ۱۳۹۱).

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها

در این بخش براساس رهیافت نهادگرایی گفتمانی با بازبینی مراحل تقنین لوایح و طرح‌های مورد بررسی، نمرخی از چالش‌ها و تنش‌های موجود ترسیم و ضمن تطبیق آنها با گفتمان غالب در هر دوره درباره راهکارهای احتمالی کاهش این تنش‌ها و چالش‌ها بحث شده است.

۳-۱. تنش‌های تقنینی مجلس شورای اسلامی در بستر گفتمان‌های کنترل اجتماعی

تنش‌های تقنینی مجلس شورای اسلامی را می‌توان در دو دسته کلی تنش درونی و بیرونی مورد بررسی قرار داد:

تنش درونی مجلس در حوزه کنترل اجتماعی بیشتر ریشه در تضاد بین قانون پیشنهادی با اصول گفتمان غالب کنترل اجتماعی آن دوره دارد. نتایج آماری پژوهش نشان می‌دهد تنش درونی مجلس در حوزه کنترل اجتماعی بسیار کم‌رنگ و محدود به موارد نادر است (جدول ۳).

جدول ۳. طرح‌ها و لوایح رد شده مجلس شورای اسلامی در دوره‌های دوم، ششم و هفتم در حوزه کنترل اجتماعی

مجلس	طرح‌های رد شده	لوایح رد شده	گفتمان غالب کنترل اجتماعی
دوم	طرح الزام دولت جهت ارائه ضوابط و سازمان‌دهی گزینش تحصیلی و استخدامی (۲۸ خرداد ۱۳۶۶)	—	مجازات
ششم	طرح اصلاح قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۱)؛ طرح تبدیل مجازات حبس به جریمه نقدی (۲۳ مرداد ۱۳۸۰)؛ طرح چک (۱۳ آبان ۱۳۸۰)	لایحه مبارزه با قاچاق کالا، ارز، ریال و اوراق بهادار (۲۸ مرداد ۱۳۸۲)؛ لایحه اصلاح قانون صدور چک (۲۱ اسفند ۱۳۸۰)	ترمیم
هفتم	یک فوریت طرح الحاق موادی به قانون مجازات اسلامی در خصوص جرائم ناشی از اهانت به اقوام ایرانی (۳۱ خرداد ۱۳۸۵)	لایحه تبدیل سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان اجرای کیفرها و اقدامات تأمینی و تربیتی (۴ مهرماه ۱۳۸۵)؛ لایحه تشکیل نهاد داوری (۲۹ مرداد ۱۳۸۵)	رجعت ارزشی

تنش بیرونی نتیجه تضاد بین مجلس و شورای نگهبان یا مجلس و دولت است. تنش بین مجلس و دولت در حوزه کنترل اجتماعی نیز مانند تنش درونی محدود به موارد نادر است. بررسی تنش بیرونی از نوع مجلس - شورای نگهبان با شاخص ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام نشان می‌دهد در مجالس پنجم، ششم و هفتم به ترتیب ۴۰، ۳۲/۵ و ۵۰ درصد و در مجموع ۴۰ درصد از ۷۵ مصوبه مرجوعی مستقیماً به مبحث کنترل

چالش‌ها و تنش‌های تقنینی مجلس شورای اسلامی در بستر گفت‌وگوهای ... ۵۵

اجتماعی مربوط می‌شود (جدول ۴). این آمار نشان از تنش‌زا بودن مبحث کنترل اجتماعی در مجلس دارد.

جدول ۴. آمار مربوط به مصوبه‌های مرجوعی مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوره‌های پنجم تا هفتم

مجلس	تعداد لوایح مرجوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام	تعداد طرح‌های مرجوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام	طرح‌ها و لوایح مربوط به کنترل اجتماعی	مجموع
پنجم	۵	۵	۵	۱۰
ششم	۲۰	۲۳	۱۴	۴۳
هفتم	۱۵	۷	۱۱	۲۲
مجموع	۴۰	۳۵	۳۰	۷۵

جدول ۵. مصوبات ارجاعی به مجمع تشخیص مصلحت نظام در مجلس ششم

مصوبه	حوزه جرائم	گفت‌وگو غالب مجلس	رویکرد مورد حمایت مجلس	رویکرد مورد حمایت شورای نگهبان
لایحه مبارزه با پولشویی (۶ اردیبهشت ۱۳۸۳)	پولشویی	گفت‌وگو ترمیم	تعامل با اقتصاد جهانی	بدبینی نسبت به اقتصاد جهانی
لایحه تساوی دیه مسلمان و غیرمسلمان (۲۲ دی ۱۳۸۱)	جرائم منتهی به قتل غیرمسلمان		برابری حقوق شهروندی	فقہ سنتی
قانون مطبوعات (تصویب فوریت در ۲۹ خرداد ۱۳۷۹)	جرائم مطبوعاتی		دفاع از آزادی مطبوعات، عدالت جغرافیایی توزیع اطلاعات	کنترل مطبوعات غوغاسالار، انحصار جغرافیایی اطلاعات
طرح اصلاح قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره (۲۷ آذر ۱۳۷۶)	کاربرد ماهواره		استفاده ضابطه‌مند از رسانه	مقابله با تهاجم بیرونی فرهنگ
طرح جرائم سیاسی (۶ خرداد ۱۳۸۰)	جرائم سیاسی		فضای باز سیاسی	محافظه کاری سیاسی
طرح منع شکنجه (۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۱)	شکنجه		منع مطلق شکنجه، تعامل حقوق	تحدید مصادیق شکنجه، استقلال

مصوبه	حوزه جرائم	گفتمان غالب مجلس	رویکرد مورد حمایت مجلس	رویکرد مورد حمایت شورای نگهبان
طرح الحاق به کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه غیرانسانی و تحقیرآمیز (۳ خرداد ۱۳۸۳)			جزای بین‌المللی	حقوق جزای اسلامی
لایحه الحاق به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱ مرداد ۱۳۸۳)؛ طرح اصلاح حق حضانت (۲۴ بهمن ۱۳۸۰)؛ طرح افزایش سن بلوغ دختران در ازدواج (۸ آبان ۱۳۷۹)	جرائم و ناهنجاری‌های حوزه خانواده		مدیریت آسیب‌های خانواده با تغییر احکام ثانویه، محو تبعیض علیه زنان	تغییرات محافظه کارانه حقوق مدنی، عدم تشابه حقوق زنان و مردان

جدول ۶. مصوبات ارجاعی به مجمع تشخیص مصلحت نظام در مجلس هفتم

مصوبه	حوزه جرائم	گفتمان غالب	رویکرد مورد حمایت مجلس	رویکرد مورد حمایت شورای نگهبان
اصلاح لایحه مبارزه با پولشویی (۱۵ آبان ۱۳۸۴)	پولشویی		شفاف‌سازی حساب‌های مالی	عدم دخالت دولت در قضا
لایحه الحاق به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد (۲۰ فروردین ۱۳۸۵)	فساد		تعامل با کشورها در مبارزه با جرائم	بدبینی به تعامل جهانی
طرح الحاق یک تبصره به قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل (۲۸ مرداد ۱۳۸۶)	تصدی بیش از یک شغل	گفتمان رجعت ارزشی	تحدید قدرت	سابقه‌گرایی
لایحه الحاق به کنوانسیون چارچوب سازمان بهداشت جهانی در مورد کنترل دخانیات (۵ تیر ۱۳۸۴)	دخانیات		تعامل با کشورها در مبارزه با جرائم	بدبینی به تعامل جهانی

تبیین تفاوت تنش‌های بین مجلس و شورای نگهبان در دوره ششم و هفتم در مبحث کنترل اجتماعی نیازمند شجره‌شناسی گفت‌وگوانی و شناسایی مفصل‌بندی و غیریت‌سازی گفت‌وگوهای حاکم با گفت‌وگوهای پیشین و همچنین گفت‌وگوهای شورای نگهبان است.

الف) گفت‌وگوهای کنترل اجتماعی مجلس: از دهه اول پس از انقلاب تا نیمه اول دهه دوم، در حوزه کنترل اجتماعی گفت‌وگوهای مجازات در دو قرائت چپ‌گرا و راست‌گرا حاکمیت داشته است. با وجود مفصل‌بندی‌های متفاوت، این دو قرائت را می‌توان یک مجموعه گفت‌وگوهای بزرگ «مجازات اسلامی» تلقی کرد که در هر دوی آنها بر کاربست مجازات براساس فقه اسلامی تأکید می‌شود. این گفت‌وگوها برخی از مفاهیم نظریه کلاسیک و دکترین بازدارندگی را بازتولید و راهکار پیشنهادی آنها را به کار می‌گیرد. در مفصل‌بندی قرائت چپ‌گرایانه، حول نشانه مرکزی «حفظ کلیت انقلاب اسلامی» نظام معنایی مشکل‌زدایی اصلی «تشدید مجازات»، «فقه پویا» و «توجه به اقتضائات زمانی» شکل گرفته است. هدف اصلی کنترل اجتماعی در این گفت‌وگوها تثبیت کلیت انقلاب اسلامی به‌عنوان نهالی نوپاست. بر این اساس ناهنجاری‌ها و کجروی‌هایی که تثبیت کلیت نظام انقلاب اسلامی را تهدید می‌کنند براساس اقتضائات زمانی (فوریت و ضرورت) آماج کنترلی قرار می‌گیرند. قرائت چپ‌گرایانه گفت‌وگوهای مجازات رویکردی رادیکال دارد و معتقد است که برای کنترل جرائم باید قوانین جدیدی متناسب با فوریت و ضرورت جامعه با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن از جمله جنگ، محاصره اقتصادی و نظایر آن تدوین کرد. حامیان این گفت‌وگوها، فقه را دروازه‌ای گشوده و منعطف می‌دانند که می‌تواند با تغییر احکام ثانویه طبق استفتاء مراجع در قالب تشدید یا تغییر مجازات به کنترل جرائم و حل مسائل و مشکلات مردم به‌ویژه اقشار کم‌درآمد کمک کند. زنجیره هم‌ارزی این گفت‌وگوها در حمایت از اقشار کم‌درآمد و در تقابل با به اصطلاح مرفهان بی‌درد است.

با وجود استیلای این گفت‌وگوها در دهه اول انقلاب از همان ابتدا طیف راست‌گرای مجلس در قالب قرائت راست‌گرایانه گفت‌وگوهای مجازات از آن انتقاد می‌کرد. قرائت راست‌گرایانه که در مجالس چهارم و پنجم استیلا داشته است با تأکید بر حفظ شالوده فقه سنتی، به تغییرات در احکام ثانویه به دیده تردید می‌نگریست. حامیان قرائت راست‌گرایانه

به جای تشدید مجازات بر اصلاح نهادهای کنترل اجتماعی هم از نظر ساختار و هم از نظر عاملیت می پردازند. از نظر ساختار بر اصلاح قوه قضائیه و تسریع اجرای حدود و تعزیرات انگشت می گذارند و از نظر عاملیت نیز بر گزینش و پالایش نیروهای قضایی تأکید دارند. آنها ضرورت گرایی و حمایت یک طرفه قرائت چپ گرایانه از اқشار پایین را به نقد کشیده و معتقدند حقوق همه اқشار باید در نظر گرفته شود. حمایت آنها از بازاریان و اصناف و رانندگان و ... در این راستا قرار دارد.

درباره دلایل استیلاي گفتمان مجازات در دهه اول انقلاب باید تأکید کرد که استیلاي گفتمان کنترلي سخت همانند گفتمان مجازات از نظر اقتصاد قدرت، کم هزینه تر از گفتمان کنترلي نرم است. هم راستا با دیدگاه اسکال^۱ در بحران های اقتصادی ناشی از دوران جنگ، حاکمیت توان تأمین هزینه دستگاہ کنترلي فراگیر مبتنی بر قدرت نرم یا شیوه های ایجابی و غیرسلبی را ندارد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۶۱)؛ در نتیجه کاربست و استیلاي گفتمان مجازات در این شرایط تا حدودی اجتناب ناپذیر بود. با بالا رفتن شاخص های توسعه انسانی به ویژه قدرت اقتصادی دولت و رها شدن از بحران های اقتصادی و جنگ، حاکمیت می تواند به جای شیوه های سلبی هزینه های مالی کاربست و استیلاي گفتمان غیرسلبی را برای کنترل اجتماعی پردازد. این گفتمان غیرسلبی، خود را در بستر فضای اصلاح طلبانه بعد از دوم خرداد و حتی پیش از آن بیشتر نمایان می کند. گفتمان «ترمیم» برخی مفاهیم پارادایم بر ساخت گرا به ویژه سیاست های پیشنهادی نظریه انگ زنی متبعت از تغییر مسیر از نظام رسمی به نظام غیررسمی و نیز رویکرد تضاد مبتنی بر پاسخ گویی کامل دستگاہ قضایی در برابر عموم، رعایت صادقانه حقوق بشر و مردم سالار کردن نهادهای کنترل اجتماعی را باز تولید می کند و مفهوم اصلی نظریه کلاسیک و دکنترین بازدارندگی مبتنی بر مجازات برای بازدارندگی از جرم را به نقد می کشد.

شیوه غیریت سازی این گفتمان با گفتمان مجازات این است که دال مرکزی گفتمان مجازات یعنی حفظ کلیت انقلاب اسلامی به علت تغییر شرایط اجتماعی از جمله پایان جنگ و تثبیت پایه های اصلی نظام کم اهمیت تلقی می شود و از مفصل بندی طرد می شود و

به جای آن دال «جامعه مدنی» جایگزین می‌شود. بر این اساس اقدامات کنترلی این گفت‌وگو بر محوریت صیانت و رسیدن به جامعه مدنی طراحی و پیشنهاد می‌شود. برای انجام دال «جامعه مدنی» در این گفت‌وگو قرائتی نوین از دین سازگار با مفهوم غربی دموکراسی تحت عنوان مردم‌سالاری دینی عرضه می‌شود. با استیلای مفهوم مردم‌سالاری دینی به‌عنوان یکی از دال‌های اصلی این گفت‌وگو، فقه پویا این بار نه در خدمت پایه نرم‌افزاری و تعریفی «تشدید مجازات» بلکه به ضرورت شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جدید در خدمت اصلاح و تدوین قوانین کنترل اجتماعی یا «جرم‌زدایی و جرم‌انگاری تخصصی» و تنش‌زدایی از تعاملات با جهان و فرهنگ غربی و ارتقای وجهه بین‌المللی کشور قرار می‌گیرد. بر این اساس طرح‌ها و پیشنهادهای کنترلی گفت‌وگو علاوه بر فقه پویابینایی مبتنی بر قانون‌گرایی جامعه مدنی نیز دارد. با توجه به اینکه زنجیره هم‌ارزی این گفت‌وگو در دفاع از شهروندان و حقوق شهروندی، اقلیت‌های قومی، زنان، گروه‌ها و فعالان سیاسی است اقدامات کنترلی پیشنهادی به حقوق شهروندی و قانون‌گرایی در قالب شفاف‌سازی و تحدید قانونی قدرت نهادهای کنترل اجتماعی از جمله نهادهای امنیتی و قضایی و تضمین امنیت اجتماعی مربوط می‌شود.

گفت‌وگو ترمیم در دوره انفعال و عقب‌نشینی فرهنگی رسمی در مقابل فرهنگ غیررسمی یعنی سال‌های ۱۳۶۸ تا اواخر مجلس ششم در سال ۱۳۸۳ رشد می‌یابد. در این دوره فرهنگ رسمی نتوانست عرصه‌های جدیدی را در صحنه‌های اجتماعی و افکار عمومی به دست آورد؛ در نتیجه نفوذ نسبی گذشته را در همه ابعاد از دست داده و دچار ضعف در اقناع و جذب توده‌ها و به‌ویژه جوانان می‌شود (ملک‌پور، ۱۳۸۱: ۱۹۳-۱۹۲).

استیلای گفت‌وگو ترمیم با انتقادهای جدی از جمله در نظر نگرفتن شرایط اجتماعی به‌ویژه توده‌های پایین جامعه و تهدید ارزش‌های اسلامی و انقلابی کم‌رنگ شد و علی‌رغم تداوم استیلای فرهنگ غیررسمی بر رسمی، گفت‌وگو اصلاحات نتوانست به نیازها و تقاضاهای متعدد زمانه پاسخ دهد و در اثر بی‌قراری، زمینه ظهور گفت‌وگو «رجعت‌ارزشی» فراهم شد. با به قدرت رسیدن اصول‌گرایان، جبهه‌گیری در برابر استیلای فرهنگ غیررسمی بر فرهنگ رسمی و تلاش برای ایجاد موازنه و حتی واژگونه نمودن این استیلا

آغاز شد. تلاشی که در حوزه کنترل اجتماعی به ظهور گفتمان رجعت ارزشی منجر شد. با وجود آنکه این گفتمان بازگشت به ارزش‌های دهه اول انقلاب را در مباحث کنترل اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد اما برخلاف گفتمان مجازات، تحمیل ارزشی کم‌رنگ شده و ارزش‌های انقلاب اسلامی به‌عنوان فیلتری برای پیشنهاد‌های کنترلی تلقی می‌شوند.

در غیریت‌سازی این گفتمان با طرد دال مرکزی گفتمان ترمیم یعنی جامعه مدنی بازگشت به ارزش‌های انقلاب اسلامی مطرح می‌شود، اما در مقایسه، دال مرکزی گفتمان مجازات یعنی حفظ کلیت انقلاب اسلامی به‌صورت کامل در آن اقتباس نمی‌شود؛ بر این اساس این گفتمان از این نشانه، ساختارشکنی می‌کند، چراکه در دوره تثبیت نظام به‌جای حفظ کلیت انقلاب اسلامی که هر دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نظام مدنظر بوده است، تأکید بیشتر روی بعد نرم‌افزاری یعنی ارزش‌های انقلاب اسلامی بوده است. بر این اساس در این گفتمان، کار پالایش قوانین و تدوین قوانین جدید در قالب جرم‌زدایی و جرم‌انگاری منوط به فیلتر ارزش‌های انقلاب اسلامی شده است؛ در نتیجه برخی قوانین مصوب مجلس ششم لغو شده است. پایه نرم‌افزاری کنترل اجتماعی این گفتمان برخلاف دو گفتمان قبلی «اجتهاد دینی» یا فقه سنتی است. این گفتمان به معنای بازگشت به گفتمان مجازات نیست چراکه محدودیت‌های رویکرد سلبی مستتر در گفتمان مجازات امکان‌پذیر آن را در بسیاری از حوزه‌ها ناممکن می‌سازد. رویکرد پوپولیستی (توده‌گرایانه) این گفتمان در «بهره‌گیری از ظرفیت‌های توده‌ای کنترل اجتماعی» موجب می‌شود که از ناحیه «راست سنتی» یا «اصول‌گرایان سنتی» با انتقادهای جدی مواجه شود و شکاف بین طیف راست بیشتر شود. زنجیره هم‌ارزی این گفتمان را بیشتر اقبال پایین جامعه و گروه‌های مذهبی - سنتی تشکیل می‌دهند.

ب) گفتمان شورای نگهبان: گفتمان شورای نگهبان گفتمانی بر پایه نظارت است. مذاکرات داخلی این شورا در تمامی قوانین مصوب مجلس که به این شورا ارسال می‌شود فقط براساس انطباق و عدم مغایرت با احکام اسلامی و قانون اساسی صورت می‌گیرد. بر این اساس گفتمان شورای نگهبان گفتمانی تثبیت شده است که امکان تغییر در آن بسیار اندک است. با توجه به اینکه بسیاری از قوانین حوزه کنترل اجتماعی ابعاد فقهی دارند

بررسی شورای نگهبان متکی بر وجود یا عدم سابقه در کتاب، سنت و احکام شرع خواهد بود. در حالت وجود سابقه تصمیم‌گیری شورای نگهبان در رد یا تأیید مصوبه مشخص خواهد بود. اما در حالت عدم سابقه انطباق مصوبه با موازین اسلامی می‌تواند تفسیرهای متفاوتی را به دنبال داشته باشد. موازین اسلام به اصول کلی گفته می‌شود که در همه احکام اسلام رعایت می‌گردد؛ اصولی چون عدالت، احسان، انصاف، کرامت انسان، نفی ستمگری و ستم‌کشی، حفظ و تقویت نظام اسلامی و استقلال آن، رفع فقر و اموراتی از این قبیل (سایت اطلاع‌رسانی شورای نگهبان www.shora-gc.ir).

حال براساس تمایز گفت‌وگوها باید گفت:

الف) گفت‌وگوهای کنترل اجتماعی غالب بر دوره ششم مجلس گفت‌وگوهای اصلاح‌طلبانه «ترمیم» است که بر تغییرات در قوانین کنترل اجتماعی و اصلاح آنها تأکید ویژه‌ای می‌شود. بیشتر این تغییرات و اصلاحات بر پایه نوآوری‌های فقهی و براساس تطابق بین حقوق اسلامی با حقوق غربی قرار دارد. بیشتر این تغییرات پیشنهادی با دال‌های گفت‌وگویی شورای نگهبان در تضاد قرار دارند و بر این اساس تنش بین شورای نگهبان و مجلس ششم قابل تبیین است.

ب) ریشه اصلی تنش بین مجلس هفتم با شورای نگهبان به مفصل‌بندی عناصر پوپولیستی (توده‌گرایانه) در گفت‌وگوهای کنترل اجتماعی مجلس هفتم مربوط می‌شود. دال‌های توده‌گرایانه نیز به تغییرات سوگیرانه‌ای در جهت اهداف توده‌محور در قوانین اعمال می‌کند که با گفت‌وگوهای شورای نگهبان همخوانی ندارد.

۲-۳. چالش‌های تقنینی کنترل اجتماعی

در زیر، مهم‌ترین چالش‌های تقنینی کنترل اجتماعی با تدقیق و فهم درونی جریان مذاکرات کنترل اجتماعی مجلس توسط محقق و تطابق آنها با برخی پژوهش‌های انتقادی حقوقی کشور بررسی می‌شود^۱ و سپس به روش انتقادی؛ واکنش گفت‌وگوهای کنترل اجتماعی غالب هر دوره در برابر این چالش‌ها مورد بحث قرار گرفته است.

الف) ابهام در مرزبندی سیاستگذاری تقنینی: عدم تفکیک بین جرم، گناه و ناهنجاری

۱. علاوه بر منابع موجود در داخل متن ر.ک: پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۵۲-۲۵.

می‌تواند سیاستگذاری تقنینی کنترل اجتماعی را با چالش‌های زیادی مواجه کند. برخی اندیشمندان در انتقاد از این عدم تمایز، ورود تقنین به هنجارهای حوزه آداب و رسوم و شیوه‌های قومی را رد می‌کنند؛ از جمله، دیوید گارلند^۱ (۲۰۰۱) چنین واکنش‌های سیاستی پوپولیستی را «فرهنگ کنترل» می‌نامد (دین، ۱۳۸۸: ۱۷۶) و زاس در زمینه کنترل مسائل خصوصی و اخلاقی شهروندان، وظیفه‌ای برای دولت متصور نمی‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۴). بر این اساس اعتقاد بر این است که سیاستگذاری کنترل اجتماعی باید درباره هنجارهای بسیار مهم به اجرا درآید که شکستن آن برای جامعه مخاطره‌آمیز و تهدیدکننده تلقی می‌شود. اما اینکه برای کدام هنجارها باید قانون تدوین کرد، همیشه چالش‌برانگیز بوده است. برای مثال آیا اهمیت هنجار مد و لباس به حدی رسیده است که برای کنترل آن قانون تصویب شود یا خیر؟ در برخی نظام‌ها در راستای «همنواسازی گروهی»، تمایز بین جرم و انحراف اجتماعی کم‌رنگ می‌شود. این موضوع از دیدگاه برخی حقوق‌دانان یکی از علل تورم کیفری تلقی می‌شود (گودرزی، ۱۳۸۰). قانونگذاران با اتخاذ پاسخ‌های کیفری در برابر «انحرافات اجتماعی» به جای واکنش‌های پزشکی - اجتماعی و اصلاحی، دامنه حقوق کیفری را گسترش می‌دهند (همان: ۳۱۲). انتقاد از این مسئله در چرخش از گفتمان مجازات به گفتمان ترمیم بسیار اهمیت داشته است. در این گفتمان دال «درمان و توان‌بخشی» با طرد دال «تشدید مجازات» در گفتمان پیشین جایگزین می‌شود.

شکاف عینیت و ذهنیت با جرم در جامعه نیز ابهام در مرزبندی سیاستگذاری تقنینی را منعکس می‌کند. این شکاف اشاره دارد که بین تعریف رسمی و دولتی از جرم با تعریف مردم از آن تفاوت وجود دارد. درهم آمیختگی مرزهای گناه و جرم در قانونگذاری کیفری ایران بعد از انقلاب تحت تأثیر آموزه‌های فقهی و شرعی در قالب گفتمان «مجازات» موجب افزایش شکاف شده است. به این دلیل برخی منتقد قانونگذاری کیفری براساس دیدگاه قیّم‌مدارانه هستند. این عناوین مجرمانه در چارچوب «جرائم بدون بزه‌دیده» اعمالی غیراخلاقی است که موجب هیچ خسارت قابل تشخیص برای اشخاص ثالث نیستند (گسن، ۱۳۷۶)؛ و کنترل آن وظیفه سایر ابزارهای کنترل اجتماعی مانند جامعه مدنی، نظام

آموزشی، فرهنگی و دینی، نظام بهداشتی، درمانی، رفاهی و خانواده است. در گفت‌وگوهای کنترل اجتماعی «ترمیم» و حتی رجعت ارزشی، چرخشی در گرایش به این رویکرد قابل مشاهده است. مفصل‌بندی گفت‌وگوهای ترمیم بر دال مرکزی «جامعه مدنی» نیز رویکردهای کنترلی را از حالت قیم‌مدارانه و دخالت در حوزه اخلاق فردی خارج می‌کند.

ب) چالش «ترجمه به قانون»: این چالش ریشه در ضرورت تدارک بهترین و عادلانه‌ترین قواعد و بیان آنها به زبان حقوقی بدون ابهام برای کنترل جرایم اجتماعی دارد اما همه پیشنهادها کنترلی را نمی‌توان در قالب این قواعد بیان کرد. تدارک قوانین کنترل اجتماعی علاوه بر در نظر گرفتن عوامل اجتماعی، تاریخی و فقهی نیازمند توجه به حفظ نظم و آسایش عمومی است و این موجب تشدید چالش «ترجمه به قانون» می‌شود.

ج) شکاف زمانی بین وقوع ناهنجاری‌های جدید با فرایند بر ساخت تقنینی: اهمیت این چالش ناشی از این است که هرچه این شکاف زمانی با تأخیر بیشتر باشد تبعات اجتماعی آن شدیدتر خواهد بود. همچنین طرح‌ها و لوایحی که با این شکاف زمانی برای کنترل جرایم اجتماعی تصویب شوند دیگر با شرایط زمانی آن تطبیق نخواهند داشت و لازم است دوباره مورد بازبینی قرار گیرند.

د) چالش انتخاب از میان سیاست تقنینی ایجابی / سلبی: اقتصاد قدرت با توجه به کارایی نوع سیاست تقنینی و ضمانت حرمت هنجارها با تقنین از میان دو نوع سیاست سلبی و ایجابی یکی را پیشنهاد می‌کند. اما این انتخاب چالش برانگیز است و لازم است دلایل محکمی برای استفاده از شیوه‌های مختلف مجازات یا کاربست شیوه‌های تشویقی ارائه کرد.

۴. رویکردهای گفت‌وگوهای کنترل اجتماعی در مواجهه با چالش‌های تقنینی

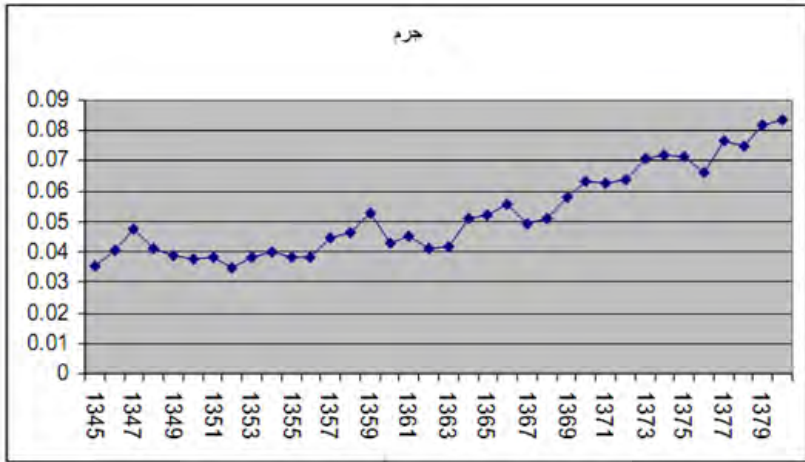
گفت‌وگوهای کنترل اجتماعی هر کدام به نوعی با چهار چالش اصلی تقنین درگیر شده‌اند. گفت‌وگوهای مجازات هر چند در زمان خود چندان با چالش ترجمه به قانون مواجه نشده است و شکاف زمانی بین وقوع ناهنجاری‌های جدید با فرایند بر ساخت تقنینی در مقایسه با کاربست دیگر گفت‌وگوها بسیار کم بوده است، ولی در دهه‌های اخیر کاربست آن به علت مرزبندی مبهم در سیاست‌گذاری و رویکرد سلبی به‌ویژه در دهه پس از جنگ ناکارآمد

تلفی شده است. ظهور گفتمان ترمیم در پاسخ به این تغییرات و چالش‌ها بوده است؛ اما این گفتمان به علت کاربست سیاست ایجابی در عمل نمی‌تواند به راحتی رویکرد سلبی پیشنهادهای اصلاحی خود را در قالب قانون با ضمانت اجرایی قوی مطرح کند. همچنین رشد سریع اشکال جدید جرائم و عدم تعاملات به موقع بین مراکز پژوهشی با مراکز تقنین بر افزایش شکاف زمانی بین وقوع ناهنجاری‌های جدید با فرایند بر ساخت تقنینی در دوره استیلائی گفتمان ترمیم و به‌ویژه رجعت ارزشی می‌افزاید. گفتمان رجعت ارزشی در پاسخ به ناتوانی‌های گفتمان ترمیم در چالش‌های پیش رو، رویکرد برگشت به مرزبندی مبهم و گزینش رویکرد سلبی را در برخی حوزه‌ها در پیش می‌گیرد، اما این رویکرد نیز عملاً در کنترل جرائم موفقیت‌چندانی کسب نکرده است. متأسفانه آمار موجود، افزایش شیب جرائم را در دوره کاربست این گفتمان‌ها نشان می‌دهد (نمودار ۱).

جدول ۷. میزان درگیری گفتمان‌های کنترل اجتماعی با چالش‌های تقنین

چالش ابهام در مرزبندی سیاستگذاری تقنینی	چالش انتخاب از میان سیاست تقنینی ایجابی / سلبی	چالش «ترجمه به قانون»	چالش شکاف زمانی بین وقوع ناهنجاری‌های جدید با فرایند بر ساخت تقنینی		
مرزبندی مبهم	رویکرد سلبی	بسیار کم	شکاف زمانی کم	مجازات	گفتمان کنترل اجتماعی
تلاش برای مرزبندی صریح در بیشتر حوزه‌ها	رویکرد ایجابی	در برخی حوزه‌ها وجود دارد	افزایش شکاف زمانی	ترمیم	
برگشت به مرزبندی مبهم در برخی حوزه‌ها	رویکرد ایجابی و در برخی حوزه‌ها برگشت به رویکرد سلبی	در برخی حوزه‌ها وجود دارد	افزایش شدید شکاف زمانی	رجعت ارزشی	
مرزبندی سیاستگذاری تقنینی تفکیک مرز جرم، گناه و ناهنجاری	در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و انتخاب یکی از دو سیاست	نظریه پردازی قانون‌ساز	تسریع رصد ناهنجاری‌ها کمک به تهیه مواد اولیه سیاست جنایی تقنینی	نقش محافل آکادمیک در کاهش این چالش	

نمودار ۱. نسبت تعداد پرونده‌های قضایی به جمعیت (فقره به نفر)



مأخذ: سعادت، ۱۳۸۷.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

متأسفانه بررسی آمار جرائم اجتماعی نشان می‌دهد گفت‌وگوهای کنترل اجتماعی نتوانسته‌اند موفقیت چشمگیری در کنترل جرائم کسب کنند. این عدم موفقیت ریشه در آن دارد که کنترل اجتماعی علاوه بر مصادیق و مضامین متعدد، دارای سرشت چندسویه و چندلایه است؛ اما در گفت‌وگوهای غالب به علت عدم جامع‌نگری و چرییدن نگاه سیاسی بر مقوله‌ای با ابعاد چندلایه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی رویکردی دقیق و حساب شده با برنامه‌ریزی درازمدت به کار گرفته نشده است. یکسویه‌نگری حاکم بر این گفت‌وگوها، سیاست کنترل اجتماعی را در کنش و واکنش در قبال جرائم و ناهنجاری اجتماعی ناتوان کرده است و قوانین پیشنهادی در منگنه تنش‌های گفت‌وگویی، سیاسی و شکاف جناحی، فرصت اجرای به موقع را نیافته‌اند و نتوانسته‌اند با چالش‌های فرارو مقابله کنند. بر این اساس با توجه به نتایج پژوهشی، لزوم به کارگیری راهبرد علمی و کارآمد در حوزه کنترل اجتماعی بیشتر از همیشه احساس می‌شود. تلاش ما برای ثمربخشی یافته‌های پژوهشی در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، در چارچوب «الگوی‌های کاربست» قابل تحلیل است. برای حصول موفق تطبیق الگوها با شرایط خاص موضوعی و منطقه‌ای باید واقعیات اجتماعی و

سازمانی را لحاظ کرد. در این میان به جای الگوی استفاده ابزاری که روش ویژه و مستقیم برای حل مشکلات خاص است (Lavis, 2003: 242) از الگوی مفهومی بهره گرفتیم؛ چراکه کانون تأثیر پژوهش، دیدگاه تصمیم‌گیران و تمرکز آن بر خط‌مشی‌های کلان اجتماعی است. این الگوی مفهومی هرچند زمان‌بر اما پایدار و با اقتضائات سیاست جنایی همسو است (Neilson, 2001: 84).

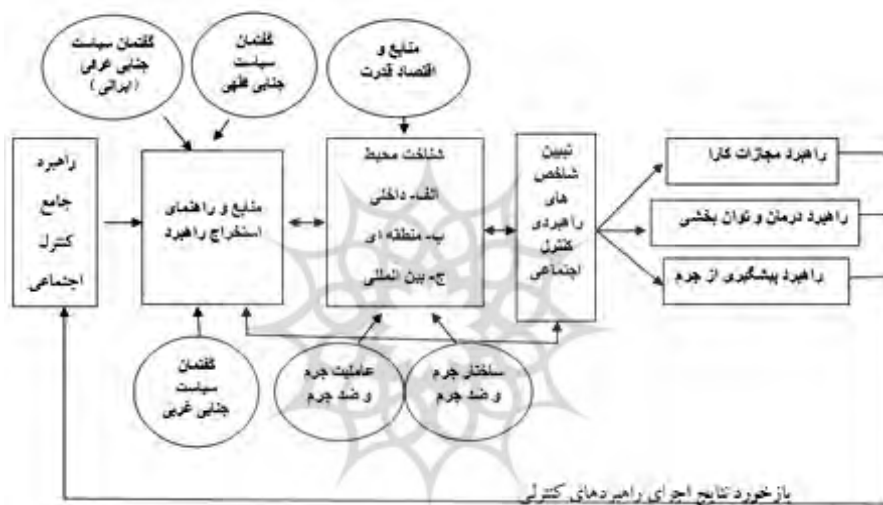
از این رو در این پژوهش با کاربست الگوی مفهومی، الگوی راهبردی «کنترل اجتماعی ایرانی - اسلامی» پیشنهاد می‌شود. البته در وضعیتی که هنوز در کشور نظریه بومی سیاست جنایی نداریم، تلاش برای تدوین مبانی این الگو نمی‌تواند در قالب برنامه‌ریزی ملموس و طراحی جزئیات هریک از لایه‌های تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی انجام یابد. این الگو بستری را فراهم می‌کند تا زمینه تاریخی سیاست جنایی منتقدانه مورد بحث قرار گیرد، روابط موجود در زبان در بین دستاوردها و آموزه‌های شرعی، غربی و ملی سیاست جنایی آشکار شود، روابط قدرت ارزیابی شود و به این ترتیب درباره آینده سیاست جنایی کشورمان بستر پرسشگری‌های علمی فراهم آید. به این منظور، باید دید چگونه می‌توان از ادبیات آینده‌اندیشی، نظریه‌ها و روش‌هایی را از دو جهت معرفت‌شناسی و روش‌شناسی، برای گسترش یک شرایط مشارکتی پیدا کرد. شرایط مشارکتی که می‌توان آن را با توجه به ویژگی مدیریتی دانش سیاست جنایی، «برنامه‌ریزی مذاکره‌ای میان مبانی، منابع و نیروهای مؤثر بر سیاست جنایی، جهت ترسیم ساختار، راهبردها و جلوه‌های الگوی بومی سیاست جنایی» نامید (خاقانی اصفهانی و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۲: ۷۰).

تقلید از عین محتوای راهبردها و جلوه‌های سیاست جنایی غربی و شرعی را نمی‌توان عیناً و بدون پالایش و جایابی در نظامی میان رشته‌ای، به الگوی بومی سیاست جنایی تزریق کرد زیرا کارکرد استوار و مستمر هر الگویی به منظور تعریف هویت ساختار و استقرار بقای آن، مزایای دیگر الگوها را واژگون جلوه می‌دهد و آن را دفع می‌کند. تأکید بر صیانت از فهم سنتی علم دینی، گویای عدم تمایل آن چنانی به تحول در فهم الگوهای قابل فهم استخراج از مبانی است (پورعزت، ۱۳۸۷: ۹۳).

راهبرد راهی برای رسیدن به هدف‌ها در آینده است و رمز موفقیت آن در طراحی و

تدوین درست و اجرای دقیق در عمل است. برای طراحی الگوی راهبردی رویکردهای مختلفی وجود دارد. این رویکردها مرحله‌ای، کثرت‌گرا - نخبه‌گرا، نئومارکسیستی، زیرسامانه‌ای، گفت‌وگویی و نهادگرایی است (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۹). با توجه به روش تلفیقی این پژوهش از دو رویکرد گفت‌وگویی و نهادگرایی برای طراحی الگوی راهبردی بهره گرفتیم.

شکل ۲. الگوی راهبردی کنترل اجتماعی ایرانی - اسلامی



الگوی راهبردی پیشنهادی از عوامل زیر تأثیر می‌گیرد:

الف) منابع و راهنمای استخراج راهبرد: طراحی الگویی برای سیاست جنایی ایرانی - اسلامی براساس تلفیق منابع سه‌گانه (شرعی، عرفی و غربی) انجام می‌گیرد. لازمه این کار به‌دست آوردن بینشی عمیق در نقدگفتمان سیاست جنایی غربی و گفت‌وگو سنتی سیاست جنایی اسلامی و پرهیز از تقاطع است. نتایج پژوهش نشان داد در هر دو قرائت گفت‌وگو مجازات (چپ‌گرا و راست‌گرا) در دهه اول و نیمه اول دهه دوم انقلاب بر کاربست منبع فقهی و طرد منبع غربی تأکید می‌شود. در دوره اصلاحات، تلاشی در جهت کاربست هر سه منبع سیاست جنایی (شرع، عرف و غرب) آغاز می‌شود که به علت تقابل و خنثی‌سازی منابع سه‌گانه عقیم می‌ماند. گفت‌وگو رجعت‌ارزشی با تلاش در جهت طرد منابع غربی

سیاست جنایی و بازگشت به ارزش‌های دهه اول انقلاب نیز به علت در نظر نگرفتن شرایط اجتماعی و عدم پاسخ‌گویی به تقاضاهای متنوع حوزه کنترل اجتماعی الگویی ناکارآمد بوده و از تدوین الگوی اسلامی - ایرانی سیاست جنایی عاجز می‌ماند. در این میان برای بومی‌سازی نهاد حقوقی به‌عنوان «جریان اخذ و تحلیل نهاد و درج آن در نظام حقوقی» (حکمت‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۱) تقریب نیروهای سه‌گانه سیاست جنایی نه تنها ممکن است بلکه به اعتبار تاریخ اندیشه سیاسی ناگزیر می‌کند. اما مسئله اصلی، کیفیت و ظرافت طراحی الگوی این هم‌زیستی تعیین‌کننده است. اندیشه میانه‌ای که از لغزش به منتهاالیه احیاگری سنت دوران میانه تمدن اسلامی، یا دین‌ستیزی دوره مدرن صیانت نماید (خاقانی اصفهانی و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۲: ۸۷-۸۶).

ب) شناخت محیط: از آسیب‌های مهم سیاست کنترل اجتماعی ایران تأثیرپذیری و نوسان آن از اتفاقات زودگذر اجتماعی و در طیف دیگر آن جمود در برابر واقعیت‌های انکارناپذیر اجتماعی و عدم انعطاف در جهت مدرنیزاسیون حقوق دینی است. از این‌رو براساس رهیافت نهادگرایی گفتمانی آگاهی نهادی در قالب گفتمان‌های کنترل اجتماعی می‌بایست با الزامات و واقعیت‌های محیط نهادی منطبق باشد. از این‌رو الگوی مورد نظر باید شناخت نقش محیط به‌ویژه «شناخت محیط جرم» را لحاظ کند. اهمیت این موضوع به حدی است که اغلب محققان سازمانی، مدیریت راهبردی را پاسخی هوشمندانه به چالش‌ها و تلاطم‌های محیطی می‌دانند (دیوید، ۱۳۷۹: ۲۷). در این میان نقش مراکز پژوهشی و دانشگاهی بسیار کلیدی خواهد بود. شناخت محیطی جرائم شامل «شناخت ساختار جرائم» و «شناخت عاملیت جرائم» است. رصد بموقع جرائم و شناخت ابعاد ساختاری و عاملیتی آنها به ما کمک می‌کند تا بر شکاف زمانی بر ساخت قوانین کنترلی غلبه کنیم. شناخت چندلایه و چندبعدی به تصمیم‌سازان کمک می‌کند تا در قوانین کنترل اجتماعی با توجه به اقتصاد قدرت، رویکردهای سه‌گانه مجازات، درمان و توان‌بخشی و پیشگیری از جرم را بسته به شرایط اجتماعی به کار گیرند.

ج) تبیین شاخص‌های راهبردی کنترل اجتماعی: با توجه به تلفیق منابع سه‌گانه سیاست جنایی (شرع، عرف و غرب) و شناخت محیط و در نظر گرفتن منابع سه‌گانه

قدرت، شاخص‌های راهبردی کنترل اجتماعی تدوین می‌شود. براساس این شاخص‌ها سه راهبرد مجازات، درمان و توان‌بخشی و پیشگیری از جرم به کار گرفته می‌شود.

د) مجازات: استفاده از راهبرد مجازات همواره جایگاه خود را در قلمرو کنترل اجتماعی حفظ کرده است. در تعابیر حقوقی، از مجازات ذیل عنوان «اعمال بازدارنده‌های قانونی» یاد می‌شود که به‌عنوان راه‌حلی «پسینی»، پس از وقوع جرم و در قالب «واکنش» جامعه در برابر آن شکل می‌گیرد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۵۱۷). تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام شکل از مجازات (مجازات مثبت/ مجازات منفی یا مجازات نرم و بازدارنده/ مجازات سخت و سرکوب‌کننده) باید به کار گرفته شود براساس «اقتصاد قدرت» خواهد بود.

ه) درمان و توان‌بخشی: این راهبرد در پاسخ به معایب مجازات در برخی حوزه‌های کنترلی به کار گرفته می‌شود و از سه زیرمجموعه فرعی «مرزبندی جرم، گناه و کجروی»، جامعه‌پذیری مجدد و روان‌درمانی تشکیل شده است:

۱. مرزبندی و تدقیق جرم از غیرجرم (گناه، کجروی و انحراف) به تصمیم‌سازان کنترل اجتماعی کمک می‌کند تا براساس اقتصاد قدرت مرزهای کیفری نظام کنترل اجتماعی را بازسازی کنند. این تدقیق بسیاری از رفتارها را از مرز جرائم کیفری خارج کرده و به مرز درمانی و توان‌بخشی وارد می‌کند. نمونه‌های مختلفی از این رویکرد در گفت‌وگوهای اخیر کنترل اجتماعی مجلس شورای اسلامی وجود دارد. طرح سقط‌درمانی و لایحه جرم‌زدایی از اعتیاد به مواد مخدر دو نمونه مهم در این حوزه هستند. البته تصور جریان معکوس نیز محتمل خواهد بود؛ یعنی براساس اقتصاد قدرت رفتارهای حوزه درمان و توان‌بخشی می‌توانند دوباره به مرز حوزه مجازات وارد شوند.

۲. «جامعه‌پذیری مجدد» برقرار دادن کج‌رفتاران در برابر فرایندهای یادگیری و درونی‌سازی دوباره هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تأکید دارد. همچنین بهبود کیفیت و تدوین قوانین اصلاحی مؤسساتی که در فرایند جامعه‌پذیری مجدد دخیل هستند همانند زندان‌ها، بیمارستان‌های روانی و سازمان بهزیستی در داخل این مقوله قرار دارند. مصادیق مختلفی را از این مقوله در گفت‌وگوهای کنترل اجتماعی مجلس می‌توان ذکر کرد. لایحه مجلس دوم درباره تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها

و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور با رویکرد مدیریت سازمانی زندان‌ها، لایحه مجلس ششم درباره انتقال زندان‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی موجود به خارج از شهرها با رویکرد «جرم‌زدایی فضامحور» و لایحه‌های مجلس هفتم درباره تبدیل سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان اجرای کیفرها و اقدامات تأمینی و تربیتی، لایحه مجازات‌های اجتماعی و لایحه نحوه نظارت بر مجرمان سابقه‌دار از آن جمله هستند. به علت غلبه رویکرد قضایی در دوره‌های مختلف مجلس، لوایح مربوط به تغییر ساختار زندان‌ها به غیر از دوره دوم (تشکیل سازمان زندان‌ها) رد شده است. متأسفانه به علت عدم پختگی رویکردهای اجتماعی و بهزیستی مجلس و تفوق رویکردهای اقتصادی و قضایی اجازه داده نمی‌شود نهادهای کنترل اجتماعی ایران ساختار خود را همانند برخی کشورها تغییر دهند.

۳. «روان‌درمانی» هدف اصلی روان‌درمانی شکل دادن دوباره به «من» به صورتی مناسب‌تر و رضایت‌بخش‌تر است. شیوه‌های مختلفی از این روش وجود دارد. روان‌درمانگری سنتی مانند روش فرویدی به تغییر در محتوا و ویژگی‌های اساسی شخصیت و روان افراد بیمار مربوط می‌شود. اما شیوه‌های جدید روان‌درمانی نیز وجود دارد. از آن جمله رفتار درمانی یا تعدیل رفتار است. رفتار درمانگران برآنند که تغییر در تصویری که فرد از خود دارد، پس از تغییر در رفتار او ظاهر می‌شود. این شیوه بر پاداش‌دهی استوار است (ستوده، ۱۳۸۰: ۱۲۱-۱۰۵).

و) پیشگیری از جرم: اهمیت و کارآمدی پیشگیری، همواره توجه صاحب‌نظران جزایی و حوزه‌های سیاست جنایی را به خود جلب کرده است. بکار یا پیشگیری از وقوع جرم را بهتر از کیفر دادن می‌داند و هدف اصلی هر قانونگذاری صحیح را پیشگیری از وقوع جرم می‌داند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۵۲۵). راهبرد «پیشگیری از وقوع جرم» به پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع آن می‌پردازد.

ز) بازخورد اجرای راهبرد و تدوین مجدد آن: موفقیت الگوی پیشنهادی براساس رویکرد ارتباطی و تأویلی برای کاربست مشارکتی منابع سه‌گانه سیاست جنایی نیازمند بررسی بازخورد اجرای راهبرد و تصحیح و تدوین مجدد آن است. الگوی خطی امکان تصحیح خطاها و تعامل بین منابع سه‌گانه را از بین خواهد برد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. باندز، مایکل (۱۳۹۰). *نظریه اجتماعی شهری* (شهر، خود و جامعه)، ترجمه رحمت‌اله صدیق سروستانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷). «گذر از حصارهای شیشه‌های معرفت‌شناسی با تأکید بر الزامات زبان‌شناختی علوم میان‌رشته‌ای»، فصلنامه *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ش ۱.
۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). *گفت‌وگو، یادگفت‌وگو و سیاست*، تهران، مؤسسه توسعه علوم انسانی.
۵. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲). «بایدها و نبایدهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران»، *مجلس و راهبرد*، دوره ۲۰، ش ۷۵.
۶. حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۹۱). «از نهادگرایی تا گفت‌وگو: درآمدی بر کاربرد نظریه‌های نهادگرایی در علوم سیاسی»، فصلنامه *علوم سیاسی*، سال پانزدهم، ش ۶۰.
۷. _____ (۱۳۸۳). «نظریه گفت‌وگو و تحلیل سیاسی»، فصلنامه *علوم سیاسی*، ش ۲۸.
۸. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۴). «بومی‌سازی نهادهای حقوقی با رویکرد اسلامی»، فصلنامه *فقه و حقوق*، ش ۷.
۹. خاقانی اصفهانی، مهدی و محمدعلی حاجی ده‌آبادی (۱۳۹۲). «بومی‌سازی سیاست جنایی با تأکید بر نقد اهم مدل‌های غربی و گفت‌وگوهای فقهی سیاست جنایی»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۸۲.
۱۰. دین، هارتلی (۱۳۸۸). *سیاست‌گذاری اجتماعی*، ترجمه عبد... بیچرانلو، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۱. دیوید، فرد آر (۱۳۷۹). *مدیریت راهبردی*، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۲. ذوعلم، علی (۱۳۸۴). «تأملی در مفهوم چالش»، *ماهنامه اندیشه سیاسی ایران معاصر*، سال چهارم، ش ۳۶.
۱۳. راسخ، محمد (۱۳۸۶). «مدرنیته و حقوق دینی»، فصلنامه *مفید*، ش ۶۴.
۱۴. سالار کسرابی، محمد (۱۳۸۸). «نظریه گفت‌وگو لاکلا و موف ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، *مجله سیاست*، دوره ۳۹، ش ۳.
۱۵. ستوده، هدایت‌ا... (۱۳۸۰). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، آوای نور.
۱۶. سعادت، رحمان (۱۳۸۷). «برآورد روند سرمایه اجتماعی در ایران (با استفاده از روش فازی)»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۳، ش ۸۳.

۱۷. سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، ش ۲۸.
۱۸. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی کجروی*، چاپ سوم، ویراست دوم، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. شهابی، مهدی (۱۳۸۸). «از حقوق سنتی تا حقوق مدرن؛ تأملی در مبانی تحول نظام حقوقی»، فصلنامه نامه مفید، ش ۷۶.
۲۰. شیلتون، پاول و کریستینا شفنو (۱۳۷۷). «گفتمان و سیاست»، ترجمه مصطفی یونسی، فصلنامه *گفتمان*، ش ۲.
۲۱. صدیق سروستانی، رحمت‌ا... (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، سمت.
۲۲. عصاریان‌نژاد، حسین (۱۳۸۹). «الگوی راهبردی - فرهنگی انتظار برای دولت زمینه‌ساز»، مجله *راهبرد بومی*، سال یازدهم، ش ۱۰۵.
۲۳. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه گروه مترجمان، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲۴. فیرحی، داود (۱۳۸۹). *دین و دولت در عصر مدرن*، تهران، رخ داد نو.
۲۵. قانون مجازات اسلامی، ماده (۲).
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۷. گسن، ریموند (۱۳۷۶). «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله *تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق شهید بهشتی*، ش ۳۰-۲۹.
۲۸. گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۰). «تورم قوانین کیفری در ایران و لزوم جرم‌زدایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲۹. گولد، جولیوس و ویلیام ل. کولب (۱۳۸۴). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه گروه مترجمان به کوشش محمد جواد زاهدی، تهران، مازیار.
۳۰. لوی برول، هانری (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی حقوق، فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه سیدابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، تهران، میزان.
۳۱. مک دائل، دایان (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان*، ترجمه حسین علی نودری، فرهنگ گفتمان، تهران.
۳۲. ملک‌پور، علی (۱۳۸۱). *تعارض فرهنگی دولت و مردم در ایران*، تهران، مؤسسه انتشاراتی آزاداندیشان.
۳۳. نش، کنت (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه محمد تقی دل‌فروز، تهران، کویر.

۳۴. وایت، راب و هاینس فیوناهاپنس (هینز) (۱۳۸۲). *درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه روح‌ا... صدیق بطحایی اصل، تهران، دادگستر.

۳۵. یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفت‌وگو*، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

36. Doob, C. B. (1988). *Sociology: An Introduction*, New York, Longman, 2^{ed}.
37. Downes, D. and P. Rock (1998). *Understanding Problem*, Englewood Cliffs, N. J., Prentice-Hall.
38. Garland, D. (2001). *The Culture of Control*, Oxford: Oxford University Press.
39. Laclau, E. and Chantal Mouffe (1985). *Hegemony and Socials Strategy: Toward a Radical Democratic*, London, Verso.
40. Lavis, J. (2003). "How Can Reserch Organizations More Effectively Transfer Research Knowledge to Decision Makers?", *The Milbank Quarterly*, No. 81.
41. Neilson, S. (2001). "IDRC- supported Reserch and Its Influnce on Public Policy", In *Knowledge Utilization and Public Policy Processes: A Literature Review*, Evaluation Unit IDRC.
42. North, Douglass C. (1994). "Economic Performance Through Time", *The American Economice Review*, Vol. 84, No. 3.
43. Reckless, Walter (1973). *The Crime Problem*, 4th ed, New York, Appleton.
44. Schiffrin, D. (1994). *Approaches to Discourse*, Oxford and Cambridge, Blackwell.
45. Schmidt, Vivien A. (2006). *Give Peace a Change, Reconciling Four (Not Three) New Institutionalisms*, Paper Prepared for Presentation for the Annual Meetings of American Political Science Association, Philadelphia, PA.
46. Schur, E. (1965). *Crimes Without Victims: Deviant Behavior and Public Policy*, Englewood.
47. _____ (1973). *Radical Non-Intervention: Rethinking the Delinquency*, Cliffs, N. J., Prentice-Hall.
48. Scull, A. (1977). *Decarceration: Commuinity Treatment and the Deviant (A Radical View)*, Englewood Cliffs, N. J.
49. Steinmo, Sven (2008). "Historical Institutionalism", In *Apptoaches and Methodologies in the Social Sciences*, Edited by Donatella Della Porta Michael Keating, Cambridge University Press.
50. Thio, Alex (2001). *Deviant Behavior*, 6^{ed}, Boston, Allyn and Bacon.
51. www.shora-gc.ir